

درس چهارم:

کوچکتر کردن موضوع

معلم، درس چهارم نگارش را بینوند
شروع کرد و گفتند این درس، لطفاً داشته باشیم
گشته بیک موضع بزرگ را که
من کوئیم و هر قسمت از اول
خود من آوردم.

جند تکنیک برای
لب و همه
مشاغل روزتا
روسناه
حالات
لست و صیغه
روستار ادویه
صیح و دسته

کوچک تر کردن موضوع



معلم، درس چهارم نگارش را بدون مقدمه، شروع کرد و گفت: این درس، ادامه درس قبلی شماست؛ البته با آن تفاوت‌هایی دارد. در درس گذشته، یک موضوع بزرگ و کلی را کوچک‌تر می‌کردیم و هر قسمت از آن را در بخشی از نوشته خود می‌آوردیم. در این درس، بر اساس ذوق و اطلاعات خودمان، یکی از آن تکه‌های کوچک‌شده را برمی‌گزینیم و درباره آن می‌نویسیم. مثلاً «روستا» یک موضوع کلی است و اگر آن را به اجزایی کوچک‌تر، خُرد کنیم، به ریز موضوع‌های زیر، تقسیم می‌شود:
آب و هوای روستا، آداب و رسوم مردم روستا، مشاغل روستایی، نوع پوشاش روستانشینان، صبح روستا و ...
حالا خود من که کودکی ام در روستا گذشته است و صبح روستا و قو قولی قوچوی خروس‌های روستا را دوست دارم، از میان موضوع‌های خردشده، «صبح روستا» را انتخاب کرده‌ام و درباره آن، چنین نوشته‌ام:

بامداد روستا

روستا، چه نام قشنگی! این نام دلنشین، خاطره‌ها و خیال‌هایی را
برمی‌انگیزد که یاد آنها همچون چشم، پیوسته جاری و زلال است. روستا
چیزهای زیادی دارد که می‌توان دربارهٔ هر یک از آنها بسیار گفت و نوشت.
چشم‌ها، کوه‌ها، دشت‌ها، درّه‌ها، کشتزارها، مرغ‌ها و خروس‌ها، برّهای
گوسفندها، اسب‌ها، گاوها، گریه‌ها، سگ‌ها و خلاصه، آسمان زیبا و مزرعه‌های
رنگارانگش و هزارویک چیز از صفا و سادگی و صمیمیت مردمانش.

اما من در اینجا از قوقولی‌های خروس سحری می‌گویم؛ پرنده‌ای
آسمانی که آمدن روشنایی را زودتر از همه، درک می‌کند و مژده رسیدن
خورشید را به همگان می‌دهد. بانگ خروس در سحرگاهان روستا، تنها
صدای بیدارباشی است که مردم روستا را به بیداری و نماز فراموشاند.
در روستا همه چیز، نشان از کوشش و تلاش دارد. قوقولی قوقوی
بامدادی خروس، هم زنگ اذان است و هم آغاز یک روز کار و تلاش
خستگی‌ناپذیر. آبادانی ایران، به همین کوشندگی کارگران و کشاورزان
و خرمی دشت و طبیعت روستاها وابسته است.

می‌بخشدند.



حالا از شما می‌خواهم با من، قدم به قدم پیش بیایید.

● یک موضوع کلی را انتخاب کنید.

● آن را در ذهنتان به موضوع‌های کوچک‌تری تقسیم کنید.

● اکنون ببینید به کدام موضوع، علاقهٔ بیشتری دارید و اطلاعات‌تان دربارهٔ کدام موضوع بیشتر است.

● با توجه به علاقه و دانش خود یکی از موضوع‌های کوچک را برگزینید.

● یک بار دیگر طبقه‌بندی نوشته (موضوع، آغاز، میانه و پایان) را در نظر بگیرید.

● پس از این مراحل، قلم را بردارید و نوشتن را آغاز کنید.

بعد از سخنان معلم، بیست دانش‌آموز نویسنده، با سکوتی متفکرانه، در خانهٔ خیال خود، به موضوع، اطلاعات لازم دربارهٔ موضوع و طبقه‌بندی آن می‌اندیشیدند. معلم که احساس خوبی نسبت به پیشرفت دانش‌آموزان داشت، با صدای ملايمى گفت: «هر وقت نقشهٔ ذهنی تان کامل شد، می‌توانید نوشتن را آغاز کنید. شک ندارم که مزء خوش نوشتن و خاطرهٔ شيرين آن، در يادتان خواهد ماند.»

سپس، نوشتن آغاز شد و قلم دانش‌آموزان، روی کاغذ به حرکت درآمد و معلم نگارش هم، همراه دانش‌آموزان نوشتن را آغاز کرد.



نوشته زیر را بخوانید و پس از بررسی دقیق، موضوع نوشته و موضوع‌های کوچک‌تر هر بند را مشخص کنید.

موضوع:

نوروز؛ یعنی روز نو، روزگار نو. شاید به همین خاطر است که با آمدن نوروز، همه چیز نو می‌شود.

درختان از نو، شکوفه و برگ می‌کنند و از نومیوه‌می دهنند. چشمه‌های زیادی از کوه، سرازیر می‌شوند که همه زلال و تازه هستند. حیوانات زیادی که در تمام زمستان در خواب بوده‌اند، بیدار می‌شوند و زندگی دوباره و نو پیدا می‌کنند.

در نوروز، همه سعی می‌کنند، نو و تازه‌تر به نظر بیایند. خانه نو، لباس نو، پول نو، برگ و شکوفه نو، زندگی نو و ... مامان، با ذوق و سلیقه‌اش، فضای خانه را دگرگون می‌کند و همه چیز را برق می‌اندازد.

بابا هم دست به نوآوری می‌زند، چیزهای نو می‌خرد، خاک باعچه را عرض می‌کند و یکی دوتا نهال یا گل رُز هم می‌کارد.

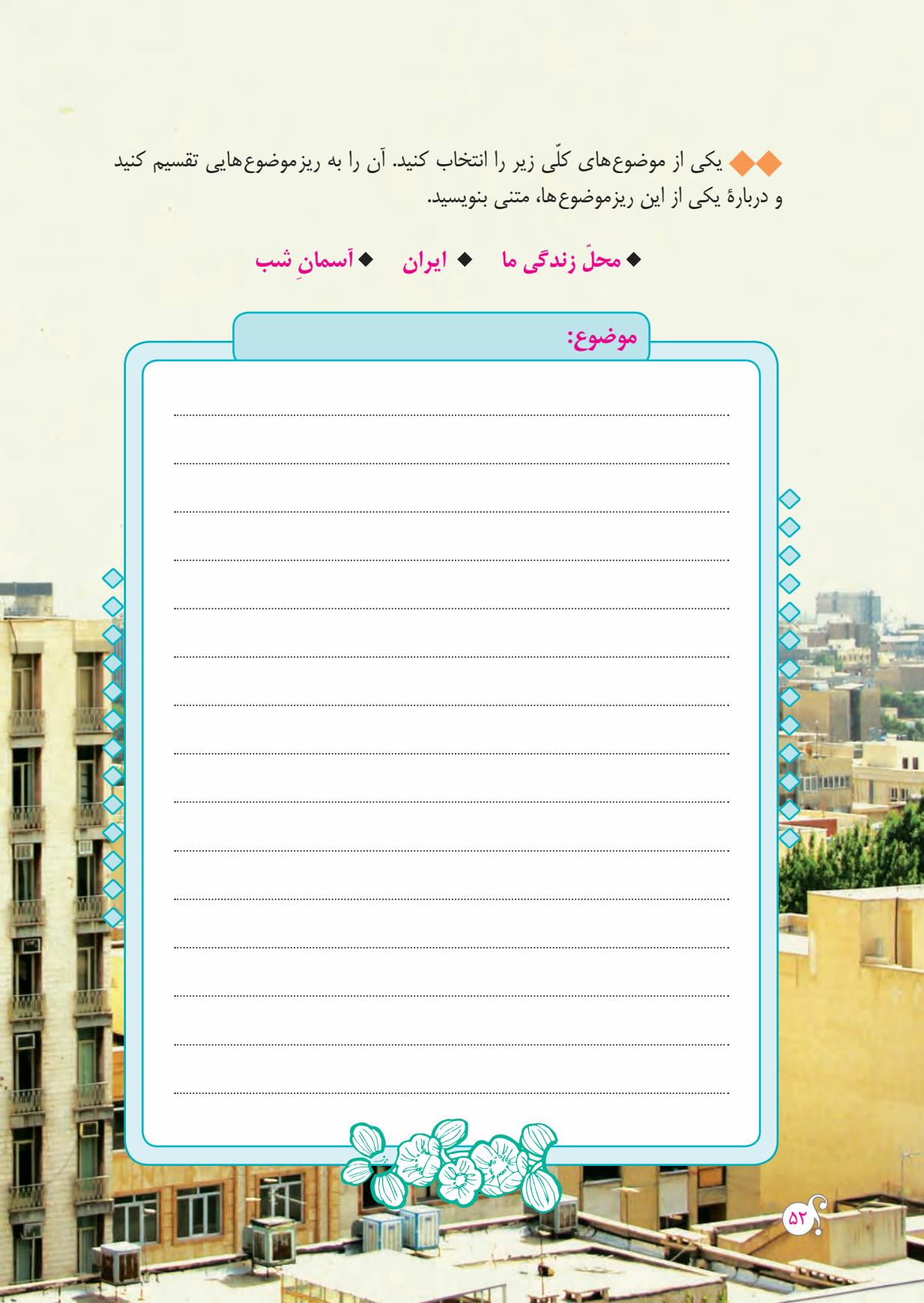
بچه‌ها لباس‌های نو می‌پوشند؛ از بزرگ‌ترها عیدی و کتاب‌های نو می‌گیرند و در مسافرت عید، جاهای نو و تازه را می‌بینند.

راستی کسی را می‌شناسید که با آمدن نوروز و نو شدن طبیعت، نگاهش را نو کند؟ یعنی به چیزهای اطرافش جور دیگری نگاه کند. سهراب سپهری در یکی از شعرهایش می‌گوید: «چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید دید!» شستن چشم‌ها چیزی است شبیه خانه‌تکانی عید، یا عوض کردن لباس‌های کهنه و فرسوده.

♦♦♦ یکی از موضوع‌های کلی زیر را انتخاب کنید. آن را به ریزموضوع‌هایی تقسیم کنید و درباره یکی از این ریزموضوع‌ها، متنی بنویسید.

◆ محل زندگی ما ◆ ایران ◆ آسمانِ شب

موضع:



◆◆◆ یکی از نوشه‌های گروه دیگر را انتخاب کنید و آن را براساس سنجه‌های زیر، بررسی و نقد کنید. نتیجه کار خود را در جای مشخص شده بنویسید و سپس در کلاس بخوانید.

سنجه‌های ارزیابی :

- ◆ پیش‌نویسی؛
- ◆ کوچک کردن موضوع نوشته؛
- ◆ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (آغاز، میانه و پایان)؛
- ◆ پیراسته‌نویسی (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املایی، توجّه به درست‌نویسی و حاشیه‌گذاری)؛
- ◆ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری:



درست‌نویسی

◆ آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «زیانم مو در آورد.»

◆ آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «خسته شدم.»

جمله ردیف اول درست است؛ زیرا بعد از عبارت «**به قول معروف**» یک سخن معروف و شناخته شده‌ای قرار گرفته است؛ اما در جمله ردیف دوم، سخن معروفی ذکر نشده است. بنابراین، هرگاه در نوشته‌ای عبارت «**به قول معروف**» را به کار ببریم، باید پس از آن حتماً سخن معروف، بیتی مشهور، مثلی رایج و... ذکر کنیم مانند:

◆ برای آمدن تو آن قدر صبر کردم که به قول معروف زیر پایم علف سبز شد.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ وقتی دو مبصر در یک کلاس باشند به قول معروف نظم کلاس به هم می‌خورد.

.....

◆ از بس که آن مجلس طولانی شد به قول معروف همه به خواب رفتند.

.....

به دو تصویر زیر با دقّت نگاه کنید؛ درباره تفاوت آنها بیندیشید و هر یک را در نوشهای جدآگانه توصیف کنید. معیار سنجش نوشهای شما تشخیص دوستانتان است. یعنی زمانی که نوشهای ایتان را در کلاس می‌خوانید، آنها باید تشخیص دهنده هر نوشتۀ مربوط به کدام تصویر است.



.....
.....
.....
.....
.....

